

جستاری در نسبت حقوق و رواداری با اقلیت ها در اسناد بین المللی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

صادق علیخانی^۱

رضا اسلامی^۲

صابر نیاورانی^۳

چکیده:

حقوق اقلیت ها به عنوان یکی از جلوه های بارز حقوق بشر همواره مورد توجه نظام های ملی و بین المللی بوده است. در این پژوهش با استفاده از مفهوم رواداری مفاد اسناد بین المللی و قانون اساسی ج.ا. ایران در حمایت از حقوق اقلیت ها مورد مقایسه تطبیقی قرار گرفته اند. سوال محوری این پژوهش آن است که آیا رویکرد اسناد بین المللی و قانون اساسی ج.ا. ایران به حقوق اقلیت ها روادارانه بوده است؟ تحلیل محتوای اسناد حقوق بین الملل نشان می دهد مختصات رواداری شامل احترام به شخصیت و حقوق فردی، شناسایی حقوق اقلیت ها از سوی دولت ها، احترام به تکثرگرایی و تفاوت های انسانی، تحکیم اصول حقوق بشر، مقابله با تبعیض و نژادپرستی، آموزش عمومی فرهنگ صلح و مدارا، بستر مناسبی برای حمایت از حقوق اقلیت ها فراهم نموده است. تحلیل محتوای قانون اساسی ج.ا. ایران نیز حاکی است ابعاد حقوق اقلیتها شامل حقوق سیاسی، فرهنگی و اجتماعی؛ اقتصادی و مدنی با رعایت اصول رواداری مد نظر بوده و اصول ۱۲، ۱۵، ۱۳، ۱۹، ۲۶ و ۶۴ پشتوانه اصلی آن می باشد. با وجود این برای کاربست کامل اصول رواداری، با توجه به مبانی فقهی قانون اساسی لازم است مفهوم حقوق بشر در مباحث علم فقه به صورت جدی راه یابد و بر اساس مفهوم مصلحت سنجی، عنصر زمان و مکان و اجتهاد در اهداف، با رویکرد عمل گرایانه از چارچوب تحمل اقلیت ها به سوی پذیرش و احترام به اقلیت ها، شناسایی همه جانبه و ضمانت اجرای حقوق اقلیت ها سوق پیدا کند.

کلیدواژگان: رواداری، حقوق اقلیت ها، قانون اساسی، اسناد بین المللی، فقه پویا، اصول حقوق بشر

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. استادیار، گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

مسئله حقوق بشر مهمترین تحول حقوق بین الملل در قرن بیستم قلمداد می شود و یکی از مفاهیم قابل تأمل در اسناد مبتنی بر حقوق بشر، مفهوم حقوق اقلیت ها می باشد. «احترام به حقوق اقلیت ها و تلاش برای رفع تبعیض و نقض حقوق حقه آنان، یکی از مسائل مبتلا به حقوق بشر دنیای ماست.» (فضلی خانی، ۱۳۹۶: ۱۳۰). حقوق اقلیتها خودش فی نفسه هدف نیست، بلکه ابزاری برای رسیدن به هدف عدالت است (کوواچویچ^۱، ۲۰۱۱: ۱۱). حمایت از حقوق اقلیت ها به عنوان یکی از جلوه های بارز حقوق بشر، همواره مورد توجه نظام های دینی، ملی و بین المللی قرار داشته است. این حمایت هم به صورت تقنینی و در قالب اسناد حقوقی و هم غیر تقنینی صورت می گیرد (سلیمی ترکمانی، و حاضر وظیفه قره باغ، ۱۳۹۷). حقوق اقلیت ها در گام اول به معنای تحقق حقوق برابر آنهاست و نه ایجاد اولویت گروهی بر گروه دیگر، و دولتها در قبال همه افراد انسانی متعهد هستند، اما از آنجایی که اقلیت ها در مقایسه با اکثریت، اغلب آسیب پذیر تر هستند، دولت ها می بایست توجه ویژه ای به آنها داشته باشند (مک لم^۲، ۲۰۰۸: ۵۳۳). اندیشه حمایت از حقوق اقلیت ها به مطرح شدن موضوع خودکامگی اکثریت در دو قرن هجدهم و نوزدهم میلادی توسط فدرالیست ها مربوط می شود. با نقد دموکراسی بر پایه رای اکثریت، مساله اقلیت های قومی، مذهبی و زبانی و حقوق و آزادی های بنیادین آنان بطور جدی مطرح گردید. در برابر این چالش بزرگ، دموکراسی لیبرال بر پایه اصول سیاست بیطرفی، برابری فرصت ها و تبعیض مثبت کوشید در جهت تامین حقوق اقلیت ها به رفع نقایص و کاستی های دموکراسی مدد رساند. بر این اساس، می توان دریافت که اقلیت ها در پرتو نظریه پردازی اندیشه ورنان دموکراسی لیبرال از امکانات و ظرفیت های بیشتر در تامین حقوق و آزادی های خویش برخوردار شده اند (محمودی، ۱۳۸۸).

اقلیت های مذهبی، نخستین گروه های اقلیت بودند که مورد حمایت های حقوقی بین المللی قرار گرفتند و تنها پس از رخداد های تاریخی همچون انقلاب فرانسه، استقلال آمریکا و رشد آگاهی های ملی بود که حمایت ها بر پایه ای سکولار قرار گرفت و دیگر جوامع اقلیت نیز تحت پوشش نظام حمایتی قرار داده شدند (فضائلی و همکاران، ۱۳۹۶).

1. Kovačević

2. Macklem

اصطلاح اقلیت از نظر حقوقی شامل آن دسته از گروه های انسانی است که معمولاً از جهت حقوقی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در موقعیت و شرایط حاشیه ای قرار دارند. کشور ایران نیز دارای اقلیت های گوناگون مذهبی، قومی و زبانی است، و این اقلیت ها در همه دوره های تاریخی به دنبال مطالبات حقوقی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود بوده اند (زارعی و همکاران، ۱۳۹۲).

هرچند وجود اقلیتهای قومی، نژادی، زبانی و مذهبی در بسیاری از کشورها، واقعیتی انکارناپذیر قلمداد می شود، اما حفظ عناصری که اعضای هر گروه اقلیت را به هم پیوند می دهد، چندان مطلوب برخی حاکمیت ها نبوده است. این چالش گاه در قالب این ادعا مطرح شده که حمایت از اقلیتها، باری گران بر کشور تحمیل می کند و وحدت و یکپارچگی ملی را نیز به مخاطره می افکند؛ و زمانی نیز عدم شناسایی و در نتیجه انکار موجودیت اقلیت را دستاویز قرار داده است (کاظمی و کفایی فر، ۱۳۹۹). به عبارت دیگر رابطه بین اقلیت ها با نظام سیاسی دغدغه و مساله اکثریت کشورهای در حال توسعه است. این مساله ریشه در آن دارد که این اقلیت های قومی، نژادی، مذهبی و... که دلالت بر چندگونگی فرهنگی دارد و بر اثر مهاجرت افراد و خانواده ها شکل گرفته اند، خواهان ادغام و ترکیب در درون جامعه بزرگتری هستند که عضویت کامل را در درون آن پذیرفته اند؛ اما در عین حال در پی به رسمیت شناخته شدن بیشتر هویت قومی خویش هستند و می کوشند تا به نوعی همسازی فرهنگی دست پیدا کنند. «گرچه «حق متفاوت بودن» چه به صورت فردی، چه بصورت گروهی، حقی است که ریشه در کرامت انسانی دارد، اما به رسمیت شناختن این حق در حقیقت به رسمیت شناختن تنوع های جوامع انسانی است.» (سیدفاطمی، ۱۳۸۸: ۴۰۱).

در اغلب کشورهای دموکراتیک با اعتقاد به این امر که «حقوق بشر غیر قابل تجزیه است» (موحد، ۱۳۸۱: ۴۱۴)، به تقاضاهای اقلیت های ملی و گروه های قومی واکنش مثبت نشان داده اند. یکی از مکانیزم های عمده در این رابطه، سازگاری با تفاوت های فرهنگی، حفظ حقوق سیاسی و مدنی افراد است. لازم به ذکر است در این جا منظور از حقوق اقلیت ها، «حقوق و منافی است که به طور قانونی برای اقلیت ها به رسمیت شناخته شده است. مکانیزم هایی که در جهت رفع تبعیض نسبت به اقلیت ها و تحقق برابری به معنای برابری فرصت ها برای اقلیت ها و مشارکت آن ها در حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و... در نظر گرفته شده است.» (موحد، ۱۳۸۱: ۴۱۴). مشترکات حقوق اقلیت ها در سه بعد زبانی، قومی و نژادی و مذهبی شامل

حق دریافت خسارات جانی برابر، حق منع تبعیض، حق حفظ هویت متمایز و متفاوت، حق شناسایی حقوق قانونی، حق تأسیس نهادهای مذهبی، آموزشی و فرهنگی، حق داشتن نمایندگی، حق تعیین سرنوشت و... است.

با این رویکرد که مبتنی بر حفظ حقوق سیاسی و مدنی اقلیت ها است، دولت ها و نظام های قانون گرا و قانونمند سعی در ایجاد «حلقه های پیوند» میان اقلیت ها و کلیت مجموعه می نمایند. بنابراین تلاش می شود حقوق اقلیت ها به ویژه در جوامع لیبرال با توجه به اصول اولیه و کلیدی لیبرالیسم (حمایت های بیرونی از آسیب پذیری اقلیت ها و حفظ حقوق فردی) به استقرار همبستگی و چگونگی حقوق نمایندگی، پشتیبانی و حمایت کند. در واقع دولت ها باید در چارچوب یک برنامه عملی منسجم از ظرفیت اقلیت ها در برنامه های توسعه خویش، سود جست و از آن استفاده نمایند. البته در توسعه با محوریت حقوق بشر و دموکراسی، توسعه سیاسی و استفاده از ابزارهای مالی حائز اهمیت خواهد بود. بر این اساس «تمام برنامه های توسعه دولت، باید مبتنی بر مشارکت شهروندان و حضور گروه های اجتماعی و اقلیت ها باشد. همچنین باید شرایطی فراهم شود که جامعه به سمت تحقق عدالت و دموکراسی پیش برود» (اسلامی، ۱۳۹۵: ۲۹۲). به واقع برنامه های توسعه محور کشورها فارغ از برنامه های کلی و کلان در ارتباط با اقلیت ها باید به گونه ای باشد که منجر به رفع محرومیت، سرمایه گذاری، توسعه صنایع، اشتغال زایی و رفع بیکاری و استفاده از مهارت ها باشد. مسلماً رعایت این موارد دغدغه های همیشگی دولت ها در مواجهه با اقلیت ها یعنی جدایی طلبی و خودمختاری را مرتفع خواهد ساخت.

موضوع این پژوهش از آن جهت اهمیت دارد که فراز و فرودهای تاریخ حاکی از آن است که حمایت از اقلیت ها برای تامین ثبات، صلح و امنیت بین المللی به ویژه منطقه خاورمیانه ضروری بوده و تبعیض علیه اشخاص متعلق به این گروه ها، همواره ثبات داخلی و صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی را در معرض خطرات جدی قرار داده است. این مساله به ویژه در آستانه ورود به قرن ۱۵ شمسی، با تحولات اخیر منطقه خاورمیانه که مهمترین آنها ظهور گروه های افراطی مذهبی به ویژه داعش، طالبان و القاعده با نگرشی خصمانه به اقلیت های دینی و قومی است اهمیت یافته است. ورود مفهوم کلیدی «رواداری» در مباحث حقوقی می تواند در این راستا با تقویت حمایت از اقلیت ها و تضمین حقوق آن ها در اسناد حقوقی به

مثابه راهکاری اصولی و پیشگیرانه در برابر بروز منازعات قومی، در تحقق صلح و امنیت منطقه ای، از اهمیتی حیاتی برخوردار باشد.

با این پیش زمینه پژوهش پیش رو سعی در پاسخگویی به سوالات زیر دارد:

- آیا رویکرد اسناد بین المللی و قانون اساسی ایران به حقوق اقلیت ها روادارانه بوده است؟
- چه تمایزی بین این اسناد حقوقی در رواداری با اقلیت ها وجود دارد؟

بر همین اساس، در این مقاله پس از تعریف مفهوم و ابعاد رواداری، به حقوق اقلیت ها در اسناد بین المللی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از منظر رواداری پرداخته شده و در نهایت موارد تطبیق یا عدم تطبیق مواضع این اسناد با رواداری مقایسه شده است.

۱- پیشینه پژوهش

پژوهش درباره اسناد حقوق اقلیت ها یا حمایت تقنینی از اقلیت ها را می توان به چند گروه دسته بندی نمود:

الف- برخی پژوهش ها حقوق اقلیت ها را در نظام حقوقی اسلام و اسناد و متون دینی آن مورد کنکاش قرار داده اند. پژوهش جاوید (۱۳۹۲) با عنوان «تبعیض مثبت در اسلام و حقوق اقلیت های دینی در حکومت اسلامی، پژوهش ابراهیمی، و سمیعی (۱۳۹۸) در مطالعه حقوق شهروندی اقلیت های دینی در قرآن و رساله حقوق امام سجاد، پژوهش شقاقی و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «بررسی تأکیدات نهج البلاغه درباره حقوق اقلیت های دینی»، پژوهش محمدزاده رهنی و فریدی (۱۳۸۹) در بررسی فقهی، حقوق و تکالیف اقتصادی و تجاری اقلیت های دینی، و پژوهش محمدزاده رهنی و فریدی (۱۳۸۸) در بررسی مبانی فقهی احوال شخصیه اقلیت های دینی از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه از جمله پژوهش های این دسته می باشند. رویکرد غالب بر این پژوهش ها آن است که در اسلام به معنای خاص، اقلیت وجود ندارد؛ چرا که همگان از منظر انسانی با یکدیگر برابرند و در برخورداری از حقوق بنیادین بشری از حقوقی مساوی برخوردارند. از این رو، مساله اقلیت های دینی به عنوان تنها اقلیت مطرح در حقوق اسلامی در ذیل مسائل مرتبط با حقوق شهروندی و نه حقوق بشری بررسی می شود. در نتیجه گیری بیشتر این پژوهش ها به اعمال نوعی تبعیض مثبت در نظام حقوقی اسلام و رعایت احترام و پاسداشت حقوق شهروندی اقلیت ها همچون شهروندان مسلمانان اشاره شده است. از دیدگاه

این پژوهش‌ها تمام حقوق شهروندی مورد تصریح متون اسلامی به ویژه قرآن، مطلق و بدون قید و شرط بوده و صرفاً بر پایه انسانیت بنا نهاده شده است. در مباحث فقهی-حقوقی مرتبط با اقلیت‌ها نیز با بهره‌گیری از قواعد فقهی از جمله قاعده الزام و قاعده ابرام، قاعده «نهی سبیل، فلسفه نهاد ذمه توصیف و تبیین شده است.

ب- معدودی از پژوهش‌ها، حقوق اقلیت‌ها را فقط در اسناد معاصر داخلی از منظر مفاهیم خاص مورد بررسی قرار داده‌اند. پژوهش حبیب زاده، و هوشیار (۱۳۹۳) درباره موقعیت اقلیت‌های دینی در حقوق کیفری ایران در پرتو اصل برابری در مقابل قانون و پژوهش ابراهیمیان (۱۳۹۱) در مطالعه حقوق خاص اقلیت‌های دینی در نظام سیاسی ایران با تأکید بر قانون اساسی در این دسته قرار می‌گیرند.

ج- برخی پژوهش‌ها نیز حقوق اقلیت‌ها را فقط در اسناد یا نهادهای حقوقی بین‌المللی مورد بررسی قرار داده‌اند. فضائلی و کرمی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی حمایت از فرهنگ و حقوق فرهنگی اقلیت‌ها در پرتو تفسیر عام شماره ۲۱ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی پرداخته‌اند. آنها همچنین در پژوهشی دیگر، نقش دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی را در توسعه و تحول نظام حقوقی بین‌المللی حمایت از اقلیت‌ها مورد کنکاش قرار داده‌اند (فضائلی و کرمی، ۱۳۹۸).

د- مقایسه تطبیقی اسناد حقوقی بین‌المللی، داخلی و اسلامی بیشترین حجم تعداد پژوهش‌های این حوزه را به خود اختصاص داده است. پژوهش‌های زارعی و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی حقوق اقلیت‌ها از منظر اسناد بین‌المللی، اسلام و قانون اساسی ج.ا. ایران، فضائلی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه «حمایت از اقلیت‌های مذهبی در نظام حقوقی اسلام و نظام بین‌المللی حقوق بشر»، محبی، و طالب نجف‌آبادی (۱۳۹۷) در مطالعه حق نمایندگی اقلیت‌ها در اسناد بین‌المللی و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، خلف رضایی و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی تطبیقی نسبت حق تعیین سرنوشت و حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل و نظام جمهوری اسلامی ایران، سلیمی ترکمانی، و حاضر وظیفه قره باغ (۱۳۹۷) در مقایسه تطبیقی مفاد اعلامیه‌ی حقوق اقلیت‌ها و منشور حقوق شهروندی و فضائلی و کرمی (۱۳۹۵) در تأملی بر نسبت میان حمایت از اقلیت‌ها و صلح و امنیت منطقه‌ای در اسلام و حقوق بین‌الملل در این دسته قرار می‌گیرند.

ه- معدودی از پژوهش نیز به مطالعه وضعیت حقوق اقلیت ها و در معنای خاص آن مسلمانان دیگر کشورها پرداخته‌اند. پژوهش محمدی و سلطانی (۱۳۹۸) در بررسی «چالش های حقوق بین الملل در حمایت از اقلیت های قومی (با تاکید بر قوم روهینگیا)» و پژوهش مکرمی قرطاول، و عباسی، (۱۳۹۸) با عنوان «اقلیت ها در جستجوی نظام خاص حقوق بشر؛ مطالعه موردی شیعیان عربستان سعودی» از جمله این پژوهش ها هستند.

جدول ۱- دسته بندی پژوهش های انجام یافته در حوزه حقوق اقلیت ها

ردیف	پژوهش های حقوق اقلیت ها	پژوهشگران
۱	حقوق اقلیت ها در نظام حقوقی اسلام و اسناد و متون دینی	ابراهیمی، و سمیعی (۱۳۹۸) شقایقی و همکاران (۱۳۹۸) جاوید (۱۳۹۲) محمدزاده رهنی و فریدی (۱۳۸۹) محمدزاده رهنی و فریدی (۱۳۸۸)
۲	حقوق اقلیت ها در اسناد معاصر ملی	حبیب زاده، و هوشیار (۱۳۹۳) ابراهیمیان (۱۳۹۱)
۳	حقوق اقلیت ها در اسناد یا نهادهای حقوقی بین المللی	فضائلی و کرمی (۱۳۹۸) فضائلی و کرمی (۱۳۹۶)
۴	مقایسه تطبیقی اسناد حقوقی بین المللی، داخلی و اسلامی	محبی، و طالب نجف آبادی، (۱۳۹۷) سلیمی ترکمانی، و حاضر وظیفه قره باغ (۱۳۹۷) خلف رضایی و همکاران (۱۳۹۶) فضائلی، کرمی، و اسدی، (۱۳۹۶) فضائلی و کرمی (۱۳۹۵) زارعی و همکاران (۱۳۹۲)
۵	وضعیت حقوق اقلیت ها در دیگر کشورها	مکرمی قرطاول، و عباسی، (۱۳۹۸) محمدی و سلطانی (۱۳۹۸)

پژوهش حاضر نیز در دسته مطالعات تطبیقی قرار می گیرد با این تفاوت که این مقایسه تطبیقی از منظر و دریچه مفهوم رواداری انجام یافته است.

۲- روش تحقیق

روش پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی با بهره گیری از نظریات هرمنوتیک حقوقی و کاربست روش قیاسی در مراحل اجرایی است. قلمرو متون تحلیلی اسناد حقوق بین الملل و قانون اساسی ج.ا. ایران است اما با توجه به منابع اسلامی قانون اساسی تحلیل متون از جمله قرآن کریم، و منابع فقهی مرتبط نیز مد نظر بوده است. بر این اساس پس از گردآوری منابع و استخراج محورهای اصلی و دسته بندی و تنظیم اطلاعات به تجزیه و تحلیل کیفی داده ها بر اساس حقوق اقلیت ها و رواداری حقوقی نسبت به آنها پرداخته ایم.

۳- ارائه یافته های پژوهش

«مدارا، سنگ بنای حمایت از ویژگی های شخصیتی و حمایت از حقوق بشر است. بدون مدارا، حقوق بشر و قواعد بین المللی کلماتی بیش نیستند. تحمل و مدارا پیش شرطی است که جامعه جهانی برای رسیدن به صلح بین المللی، عدالت اجتماعی و روابط دوستانه بین افراد و ملل بودن نیازمند است. بدون تحمل و بردباری اصل (حقوق بشر برای همه) قابل آموزش نبوده و عمرش کوتاه است. بدون تحمل و بردباری شانس بروز جنگ و نقض حقوق بشر بالا می رود و قربانیان تعصب، جان و حقوقشان را از دست می دهند...»

رواداری با تساهل، مبتنی بر شناخت حقوق دیگران و احترام به شخصیت آنان است با توجه به این که آنان اعتقادات متفاوتی از دیگران دارند. در واقع رواداری احترام به تفاوت ها می باشد و ملاک و میزان را حرمت و کرامت انسانی قرار می دهد. رواداری منعی تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و نژاد پرستی است. «رواداری به این معناست که تمام مخلوقات به طور طبیعی از حیث ظاهر، زبان، رفتار و ارزش هایشان متفاوت هستند و محق هستند که در کار یکدیگر با حفظ عقاید خاص و متفاوت خود در صلح زندگی کنند و نیز به معنای مجاز نبودن تحمیل عقاید افراد بر یکدیگر است» (اسلامی، و گل پور، ۱۳۹۲).

در بند یک اعلامیه اصول رواداری در باب مفهوم رواداری بیان شده است که همانا «محترم شمردن و پذیرفتن و قدردانی کردن از تنوع غنی فرهنگ های جهان ما و شکل های متنوع بیان و شیوه های گوناگون انسانیت است». این تلقی از مفهوم رواداری، بستری نظری در راستای حمایت از حقوق اقلیت ها فراهم می سازد که هم در اسناد حقوقی ملی و هم اسناد بین المللی

بازتاب یافته است. در این نوشتار ابتدا به ابعاد و مختصات رواداری حقوقی با اقلیت‌ها در اسناد بین‌المللی و سپس قانون اساسی ج.ا. ایران به عنوان مهمترین سند حقوقی کشور خواهیم پرداخت.

۳-۱- رواداری حقوقی با اقلیت‌ها در اسناد بین‌المللی:

توجه به حقوق اقلیت‌ها در اسناد بین‌المللی از دو جهت حائز اهمیت است: الف) رعایت حقوق انسانی در جهت برخورداری از حقوق فردی و آزادی‌های اساسی؛ ب) حق داشتن هویت ملی، قومی، نژادی و مذهبی. بازتاب الزام به رعایت حقوق اقلیت‌ها را در برخی اسناد بین‌المللی می‌توان به عینه مشاهده نمود. از آنجمله در بخش‌های مختلف کنوانسیون محو هرگونه تبعیض نژادی مصوبات سال ۱۹۶۵ مجمع عمومی، کنوانسیون ضد تبعیض در تعلیم و تربیت مصوب ۱۹۶۰ یونسکو، مقاله‌نامه شماره ۱۱۱ در مورد تبعیض در استخدام و اشتغال (مصوب ۱۹۵۸ سازمان بین‌المللی کار)، اعلامیه محو هر نوع نابرابری و تبعیض بر اساس مذهب (مصوب ۱۹۸۱ مجمع عمومی)، اعلامیه مربوط به حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، نژادی، مذهبی و زبانی (مصوب سال ۱۹۹۲ مجمع عمومی) به این موضوع پرداخته شده است. در مواد ۱ و ۵۵ منشور ملل متحد ۱۹۴۵، ماده ۲ اعلامیه حقوق بشر ۱۹۴۸، در مواد ۲۶ و ۲۷ میثاق بین‌المللی ۱۹۶۶ مربوطه به حقوق مدنی و سیاسی و اصل عدم تبعیض مورد تأکید قرار گرفته است که از ذکر جزئیات این موارد اجتناب نموده و به فراخور موضوع به برخی از آنان اشاره خواهد شد.

با تحلیل محتوای اسناد بین‌المللی از جمله قطعنامه ۳۶/۵۵ مورخ ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ مجمع عمومی در خصوص «حذف تمامی اشکال تعصب و تبعیض بر مبنای دین و عقیده» و همچنین اعلامیه سازمان ملل متحد در خصوص «حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی» در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ و «اعلامیه اصول رواداری» به عنوان منابع اصلی در جهت تبیین حقوق اقلیت‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که «تکثرگرایی فرهنگی پایه و اساس مفهوم رواداری را تشکیل می‌دهد» (اسلامی و گل‌پور، ۱۳۹۲). این تکثرگرایی فرهنگی به عنوان پایه رواداری می‌تواند فراتر از وظیفه اخلاقی در عرصه سیاسی و حقوقی نیز با موضوع حقوق بشر و دموکراسی پیوند بخورد. بر این اساس مختصات رواداری حقوقی را بر مبنای تحلیل محتوای اسناد حقوق بین‌المللی در موارد زیر می‌توان خلاصه نمود:

۳-۱-۱. احترام به شخصیت و حقوق فردی:

در حال حاضر با توجه به پذیرش شیوه حکمرانی دموکراتیک در اغلب کشورهای جهان و گسترش گفتمان حقوق بشر می‌توان اذعان داشت که دموکراسی و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به هم وابسته و لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند. «از منظر حقوق بشر مشروعیت هر دولتی تابعی از میزان رعایت، حمایت و تحقق حقوق شهروندان خود است. به همین خاطر اعلامیه جهانی حقوق بشر خود را «معیار مشترک دستیابی همه ملل» اعلام می‌کند» (دانلی^۱، ۱۹۹۹: ۶۰۸-۶۳۲).

به همین سبب است که اعلامیه وین به طور صریح و روشن در نخستین پاراگراف برنامه عمل خود اشعار می‌دارد: «حقوق بشر و آزادی‌های اساسی حق مسلم و طبیعی همه انسان‌هاست، حمایت و تقویت آنها نخستین مسئولیت حکومت‌ها است» و اعلامیه اصول رواداری نیز در بند ۲-۱ خود بیان می‌دارد: «مداراگری در درجه نخست، نگرشی فعال است که از طریق تأیید و تصدیق حقوق جهانی بشر و آزادی‌های بنیادین دیگران جنبه عملی پیدا می‌کند.» (دانلی، ۱۹۹۹: ۶۰۸-۶۳۲).

۳-۱-۲. شناسایی حقوق اقلیت‌ها از سوی دولت‌ها:

دولت‌ها موظفند که آیین‌ها، رسوم و عبادات اقلیت‌ها را مورد احترام و شناسایی قرار دهند و این مهم صرفاً در دولت‌های مبتنی بر دموکراسی محقق می‌شود. در بند اول ماده ۴ اعلامیه حذف تمامی اشکال تبعیض بیان شده است: «همه کشورها باید برای پیشگیری و حذف تبعیض بر مبنای دین و عقیده، در جهت شناسایی اعمال و برخورداری از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی در تمامی حوزه‌های زندگی مدنی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اقدامات مؤثر انجام دهند» و همچنین در تکمیل بند اول خود در ادامه بیان می‌کند که «دولت‌ها و کشورها باید هر کوششی برای وضع یا لغو قوانین به منظور پیشگیری از هر تبعیضی در این زمینه به عمل آورند و برای مبارزه با تعصب و عدم تسامح در زمینه‌های دینی و سایر اعتقادات در این مسأله تمامی اقدامات مناسب را انجام دهند». در ماده اول اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، زبانی و مذهبی نیز تأکید شده که «دولت‌ها در قلمرو خویش باید از موجودیت

1. Donnelly, Jack

و هویت ملی، فرهنگی، مذهبی یا زبانی اقلیت‌ها حمایت می‌کنند و به برقراری شرایط تعالی این هویت کمک می‌نمایند». دولت‌ها موظفند امکانات لازم برای اجرا و ایفای حقوق مدنظر اقلیت‌ها را مهیا و فراهم کنند.

۳-۱-۳- احترام به تکثرگرایی و تفاوت‌های انسانی:

اساس نظم سیاسی در یک جامعه بر تکثرگرایی، مشارکت تمام اقشار و شهروندان و رقابت فعالان سیاسی می‌باشد. در واقع زمانی که به تفاوت‌های شهروندان در یک جامعه احترام گذاشته شود می‌توان از پلورالیزم سیاسی سخن گفت. دولت و جامعه زمانی تکثرگرایی را می‌پذیرند که اقوام، احزاب سیاسی با دیدگاه‌های متفاوت، گروه‌هایی صنفی و جناح‌های سیاسی فعالیت‌های قانونمند، علنی و بدون انحصار داشته باشند و برای همه افراد امکان دسترسی به پست‌های سیاسی و اداری در رده‌های مختلف وجود داشته باشد و این اتفاق دلالت بر احترام و پذیرش تعدد و تنوع‌های دیدگاه‌ها و اعتقادات می‌باشد. «مدارگری مسئولیتی است که موجب تقویت حقوق بشر و تکثرگرایی، دموکراسی و قانون مداری می‌شود (اعلامیه اصول رواداری، بند ۳-۱).

بر همین اساس ماده ۶ اعلامیه حذف اشکال تبعیض، آزادی‌های اقلیت‌ها را امور مختلف مذهبی و فرهنگی در یک جامعه تکثرگرایی احصا نموده است. همچنین ماده ۲ اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، زبانی و مذهبی به سخنی دیگر همین حقوق فرهنگی، مذهبی، اجتماعی را بیان داشته است. در واقع می‌توان بیان کرد که بایستی ساختار سیاسی چنان بنا شود که به افراد با تفکرات مختلف اجازه دهد با یکدیگر در هماهنگی و توافق نسبی زندگی کنند و به نوعی از دموکراسی همیارانه^۱ دست یابند.

۳-۱-۴- تحکیم اصول حقوق بشر:

«به صورت تحت اللفظی، حقوق بشر عبارت از حقوقی است که شخص از این حیث که انسان است از آن برخوردار می‌باشد. بدین ترتیب از آن‌جا که همه ما به یک اندازه انسان هستیم، آن حقوق نیز برابرند. حقوق بشر در عین حال حقوقی غیر قابل سلب می‌باشد. زیرا فارغ از این که ما چگونه رفتار می‌کنیم، نمی‌توانیم برآزنده چیزی غیر از انسان باشیم» (دانلی، ۱۹۹۹: ۶۰۸-۶۳۲). در واقع حقوق بشر انسان را به ماهو انسان موضوع و سوژه قرار می‌دهد.

در مقدمه اعلامیه حقوق اقلیت‌ها نیز ارجاعات واضح و آشکاری به اصول حقوق بشر به عنوان مأخذ و مبنای خود دارد: «با تأیید مجدد این‌که یکی از اهداف اصلی ملل متحد، طبق منشور آن، اعتلاء و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگانی، بدون تمایز نژاد، جنس، مذهب یا زبان است و همچنین با اعتقاد به حقوق اساسی بشر، به منزلت و ارزش شخصیت انسان به برابری حقوق زنان و مردان و ملت‌های بزرگ و کوچک...» سپس حقوق مدنظر اقلیت‌ها را بیان می‌دارد. به واقع همه کوشش‌ها در اعلامیه‌ها و قطعنامه‌هایی از این دست در جهت تعالی حقوق بشر برای تمام افراد و گروه‌ها قلمداد می‌شود.

۳-۱-۵- مقابله با تبعیض و نژادپرستی:

با پذیرش اصل تساوی و نفی هرگونه تبعیض، نژادپرستی و نابرابری حقوقی در واقع حقوق بشر ناشی از طبیعت ذاتی انسان است که به رسمیت شناخته می‌شود و از تفکری که کرامت انسانی را محور قرار می‌دهد بی‌تردید می‌توان در وضع قوانین و مقررات و رفتارهای اجتماعی شهروندان برخوردار از انواع حقوق و آزادی‌های فردی و اساسی را رؤیت نمود، به همین جهت است که ماده اول اعلامیه جهانی حقوق بشر با عبارت «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند» شروع می‌شود. نقطه مقابل برابری و مساوات، تبعیض می‌باشد. از تبعیض می‌توان به عنوان «نابرابری ناموجه»^۱ نیز نام برد. مخرب‌ترین عامل برای عدم برابری حقوق اقلیت‌ها با اکثریت شهروندان یک جامعه حس تبعیض موجود در یک نظام سیاسی می‌باشد. در واقع تبعیض هرگونه تمایز، مستثنی نمودن یا پایه‌ریزی برتری خاص بر اساس نژاد، رنگ، زبان و مذهب است که نتیجه و هدف آن به خطر انداختن و تخریب شناسایی، بهره‌مندی یا برخوردار از برابری برابر افراد از مجموعه حقوق و آزادی‌های بنیادین باشد. در اعلامیه اصول رواداری نیز رواداری را به معنای «رد تعصب و مطلق‌گرایی» در نظر می‌گیرد.

۳-۱-۶- آموزش عمومی فرهنگ صلح و مدارا:

از طریق آموزش عمومی در سطح گسترده باید رواداری و صلح در کشورها فرهنگ غالب در اجتماع باشد. زمان آموزش رواداری برای این‌که تبدیل به فرهنگ مسلط و عمومی جامعه باشد باید در کودکی و آموزش‌های ابتدایی باشد تا به صورت نهادینه در جامعه پذیرفته شود. در بند

1. Inconformity unjustifiable.

۳ ماده ۵ اعلامیه رفع اشکال تبعیض بیان شده است که کودکان «باید با روحیه همدلی و تفاهم، مدارا و تسامح، دوستی بین مردم، صلح و برادری همگانی، احترام به آزادی دین یا عقیده دیگران و با آگاهی کامل نسبت به این که نیرو و استعداد او باید وقف خدمت به هممنوعانش باشد، پرورش یابد». به واقع با این رویکرد رواداری تبدیل به «اخلاق روزمره» جامعه می‌گردد (اسلامی، و گل‌پور، ۱۳۹۲). با توجه به ابعاد گوناگون رواداری که مربوط به مفهوم و کارکرد مقوله رواداری می‌باشد به این نکته وقوف پیدا می‌کنیم که امر رواداری، امری دو سویه است فی مابین دولتمردان و اقدامات آنها در جهت شناسایی، احترام و تضمین حقوق اقلیت‌ها و در دیگر سو شهروندان، عاملان نهادینه شدن رواداری قرار دارند. در اعلامیه اصول رواداری نیز به ترویج رواداری از طریق آموزش در سطح خانواده، مدارس، دانشگاهها و آموزش غیر رسمی اشاره می‌شود.

جدول ۲- مختصات رواداری با اقلیت‌ها در اسناد حقوق بین‌المللی و مصادیق سندی

مختصات رواداری با اقلیت‌ها در اسناد حقوق بین‌المللی	مصادیق سندی
احترام به شخصیت و حقوق فردی	اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ نخستین پاراگراف برنامه عمل اعلامیه وین؛ بند ۲-۱ اعلامیه اصول رواداری
شناسایی حقوق اقلیت‌ها از سوی دولت‌ها	بند اول ماده ۴ اعلامیه حذف تمامی اشکال تبعیض؛ ماده اول اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، زبانی و مذهبی
احترام به کثرگرایی و تفاوت‌های انسانی	بند ۳-۱ اعلامیه اصول رواداری؛ ماده ۶ اعلامیه حذف اشکال تبعیض، آزادی‌های اقلیت‌ها؛ ماده ۲ اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، زبانی و مذهبی
تحکیم اصول حقوق بشر	مقدمه اعلامیه حقوق اقلیت‌ها
مقابله با تبعیض و نژادپرستی	ماده اول اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ اعلامیه اصول رواداری
آموزش عمومی فرهنگ صلح و مدارا	بند ۳ ماده ۵ اعلامیه رفع اشکال تبعیض؛ اعلامیه اصول رواداری

۳-۲- رواداری حقوقی با اقلیت‌ها در قانون اساسی ج.ا. ایران:

قانون اساسی در هر کشوری، عالی‌ترین متن سیاسی و حقوقی در هر کشوری محسوب می‌شود و در سلسله مراتب منابع حقوقی، در بالاترین رتبه قرار دارد. سیاست کلی و کلان هر حاکمیتی در اصول قانون اساسی آن بیان شده است. سایر قوانین عادی، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های دولتی

باید مطابق با منویات و موازین مد نظر قانون اساسی، وضع و تصویب گردند. ورود به بحث حقوق اقلیت‌ها در ایران ریشه تاریخی دارد، بدین شرح که: «مستشار الدوله این فکر نو و حقوقی را در ایران آورد که افراد مسلم و غیر مسلم (یعنی اقلیت‌های مذهبی) از نظر حقوق اساسی برابرنند... وی تأمین مساوات کلیه اهالی مملکت در حقوق اجتماعی را از شرایط ترقی و نشر مدنیت می‌دانست» (آدمیت، فریدون، ۱۳۹۴: ۱۸۹). بیان این مطلب از آن جهت حائز اهمیت است که مستشار الدوله اولین فردی بود که در تاریخ سیاسی و حقوقی ایران پی به اهمیت «حاکمیت قانون» برده بود و آن را نوشداروی ایران برای علاج از بیماری و مرض استبداد می‌دانسته است و وی در آن شرایط که ایرانیان از کمترین حقوق برخوردار نبودند از حقوق اقلیت‌ها غفلت نداشته و به آن تذکر می‌داده است. با صرف نظر کردن از موضوعات تاریخی که باعث خروج موضوعی از ماهیت مباحث می‌گردد با نگاه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نحوه برخورد قانون اساسی با این مقوله می‌توان از این رهگذر به شناخت موضوع در فضای حقوقی ایران دست یافت.

پذیرش و احترام به تنوع فرهنگی و مذهبی از ویژگی‌های بارز ایرانیان در طول تاریخ کهن ایران بوده است... فرهنگ و مذهب در این کشور هرگز زمین مساعدی برای کشت و پرورش تحقیرهای مذهبی و نژادی نبوده است. «هویت‌های خرد و ریز و قطعه قطعه شده و پراکنده ویژگی برجسته جامعه ایران بوده است و در غیاب یک ایدئولوژی هویت بخش سراسری و یکسان ساز، به تداوم ساختار قدرت پاتریمونیالی کمک می‌کرد» (بشیریه، ۱۳۸۳: ۱۹).

با مطالعه اجمالی از اصول قانون اساسی علی‌الخصوص فصل سوم (حقوق ملت) و اصول ۳، ۱۴، ۱۹، ۲۲، ۲۳ و ۲۸ - ۳۵، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یک سری اصول اساسی و آزادی‌های فردی و جمعی را بیان می‌کند که مشمول تمام افراد و شهروندان ایران می‌باشد. به عبارت دیگر تمام شهروندان ایرانی صرف‌نظر از هر نوع وابستگی قومی، زبانی، مذهبی به رسمیت شناخته است و قائل به استثناء و تبعیض در این حقوق نشده است.

در ساختار حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز به حقوق اقلیت‌ها توجه و اهتمام وجود دارد. قانون اساسی ایران، بدون اینکه تعریفی از اصطلاح اقلیت به دست دهد، در اصول ۱۳ (شناسایی اقلیت‌های دینی) و ۲۶ (فعالیت احزاب) و ۶۷ (سوگند نمایندگان مجلس به کتاب آسمانی) از این واژه استفاده کرده است.

۳-۲-۱- حقوق سیاسی

اگر با تعریف حق به این معنا موافق باشیم که: «حق عبارت از منافعی است که در زیر چتر حمایت قضایی قرار گرفته باشد» (موحد، ۱۳۸۱: ۴۵)، قانون اساسی در مورد حقوق سیاسی اقلیت‌ها در این جهت قدم برداشته است. حفظ حقوق سیاسی و توجه به این مقوله از آن جهت حائز اهمیت می‌باشد که اقلیت‌ها سعی می‌کنند از این طریق، هویت سیاسی خود را نشان دهند و رعایت حقوق سیاسی آنها باعث انسجام اجتماعی و ملی می‌شود و هم باعث تقویت روحیه مشارکت و دموکراسی در جامعه می‌شود. در واقع با حفظ حقوق سیاسی اقلیت‌ها به مانند بخشی از جامعه مدنی و سیاسی باعث ایجاد علقه‌های سیاسی و اجتماعی فی مابین اقلیت‌ها و شاکله نظام سیاسی اکثریت خواهد شد. به نوعی دارا بودن حقوق سیاسی و اداری برای اقلیت‌ها اعطای حق تعیین سرنوشت برای آنها می‌باشد که در «حق حفظ هویت» متجلی می‌شود. از جمله حقوق سیاسی که در قانون اساسی ایران برای اقلیت‌ها پیش‌بینی شده است عبارت است از حق حضور در مجلس شورای اسلامی، و حق داشتن احزاب و انجمنها.

یکی از مهمترین حقوق سیاسی که اقلیت‌های مذهبی در ایران دارند، حق حضور در مجلس شورای اسلامی به عنوان نماینده است. این حق در اصل ۶۴ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. حق مشارکت سیاسی در اسناد بین‌المللی از جمله بند ۱ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ ماده ۲۵ میثاق مدنی سیاسی؛ بند ۲ ماده ۲ اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی هم به رسمیت شناخته شده است.

در اصل ۲۶ قانون اساسی نیز به حق تشکیل احزاب و انجمن‌های سیاسی در مورد اقلیت‌ها اشاره شده است. در اسناد بین‌المللی نیز ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۲ میثاق مدنی - سیاسی و بند ۴ ماده ۲ اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی بر حق داشتن تجمع و احزاب بدون هیچ تبعیض تأکید شده است.

نکته حائز اهمیت در حقوق سیاسی منظور شده برای اقلیت‌ها در این است که تا بحال این حقوق به گونه‌ای تفسیر نشده است که دامنه و شمول حقوق سیاسی اقلیت‌ها یا حق حفظ هویت جمعی آنان حق حاکمیت ملی یا حفظ تمامیت ارضی آنها را تحت الشعاع قرار دهد. در واقع خط قرمز حقوق سیاسی اقلیت‌ها حفظ حاکمیت ملی و یکپارچگی کشور می‌باشد و ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوقی و مدنی و سیاسی نیز که انواع حقوق فردی و جمعی را برای اقلیت‌های

خاص در نظر گرفته است حق بر جدایی این اقلیت‌ها از کشور را به هیچ عنوان نپذیرفته است.

۳-۲-۲- حقوق فرهنگی و اجتماعی

مهمترین حقوق فرهنگی و اجتماعی اقلیت‌ها مطابق اصول قانون اساسی آموزش و تکلم به زبان قومی، آزادی در برگزاری مراسم مذهبی، داشتن ردیف بودجه اختصاصی و مجوز انتشار نشریه‌های مختلف است.

اصل ۱۹ قانون اساسی مهمترین اصلی است که رعایت حقوق اجتماعی اقلیت‌ها را تضمین می‌کند. بر اساس این اصل «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود». مشابه محتوای این اصل در برخی اسناد مهم بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، میثاق مدنی-سیاسی، منشور سازمان ملل، اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی نیز بیان شده است.

پشتوانه نویسندگان قانون اساسی در اصل ۱۹ به جز اسناد و قوانین بین‌المللی، آیه ۱۳ سوره حجرات ۱۴ است که طبق آن، هیچ برتری و ارزشی فزونتر برای افراد بر مبنای رنگ و نژاد و همانند آن نیست و فقط آنچه سبب برتری می‌شود، تقواست.

«در میان حقوق مختلف اقلیت‌ها، حق بر آموزش زبان مادری از اهمیتی اساسی برخوردار است؛ زیرا به واسطه این حق تا حد زیادی موقعیت زبان اقلیت‌های درون دولت و میزان مشارکت اقلیت‌های ملی در خدمات عمومی مشخص و روشن می‌شود.» (اسلامی و جیهانی، ۱۳۹۵: ۲۳۲). آموزش و تکلم به زبان قومی از مهمترین حقوق اقلیت‌های قومی و زبانی است که اصل ۱۵ قانون اساسی از آن حمایت می‌کند. به موجب بند اخیر اصل فوق، استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در کنار زبان فارسی، در مدارس آزاد است. با توجه به اهمیت این حق، در موادی از اسناد بین‌المللی از جمله ماده ۲۷ میثاق مدنی-سیاسی، بند ۱ ماده ۲ و بند ۳ ماده ۴ اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، هم حق آموزش و تکلم به زبان مادری تصریح شده است.

در واقع قانون اساسی ایران تنوع و تکثر زبانی را در سرزمین ایران پذیرفته است و دولت سعی دارد با حفظ شرایط هویت فرهنگی و زبانی گروه‌های قومی و اقلیتی سبب برقراری رابطه فرهنگی دولت با اقلیت‌های جامعه می‌شود. بیان اخبار به زبان و گویش‌های محلی در شبکه‌های استانی

و آموزش زبان مادری به صورت رایگان در مدارس و مقاطع تحصیلی از جمله اقدامات مؤثر می‌باشد. در نتیجه این امر، حس امنیت و تعلق خاطر اقلیت‌ها به جامعه اصلی افزایش می‌یابد، که این امر برای حفظ وحدت و یکپارچگی کشور بسیار مهم می‌باشد.

بیشتر اسناد بین‌المللی مربوط به حمایت از حقوق اقلیتها به حفظ تنوع فرهنگی اقلیتها ارتباط دارد (کوگلمن، ۲۰۰۷: ۲۶۲). در میان اسناد بین‌المللی، ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر یکی از مهم‌ترین مواد در خصوص حمایت از آزادی‌های مذهبی است. بر اساس این ماده، این حق شامل آزادی تغییر مذهب یا باور و نیز آزادی اظهار مذهب یا باور به شکل آموزش، عمل به شعائر، نیایش و به جای آوردن آئین‌ها چه به تنهایی و چه به صورت جمعی نیز می‌گردد. البته حق مربوط به آزادی تغییر مذهب به دلیل مغایرت با شرع مقدس اسلام کاربردی ندارد. در مواد ۲۷ و ۱۸ میثاق مدنی-سیاسی نیز بر حقوق مذهبی اقلیت‌ها تأکید شده است.

آزادی برگزاری مراسم مذهبی نیز از مهمترین حقوق اقلیت‌های دینی است که در اصل ۱۳ قانون اساسی به آن تأکید شده است و حتی در آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی (مصوب ۱۳۸۰) نیز بر حقوق مذهبی اقلیت‌های زندانی تأکید شده است. با استناد به اصل ۱۳ قانون اساسی که حدود فعالیت‌های اقلیت‌های دینی را در ایران مشخص می‌کند، امکان اخذ مجوز نشریات مختلف برای آنان بلامانع می‌باشد. همچنین حقوق دیگر فرهنگی و اجتماعی آنها مانند انتخاب مدیران اقلیت برای مدارس و استخدام آن‌ها به عنوان معلم، مجوز چاپ کتاب و امکان فروش در مغازه‌ها، حق انجام فعالیت‌های فرهنگی، هنری، ورزشی و تفریحی، امکان ادامه تحصیل در مقاطع مختلف دانشگاهی، امکان اشتغال در پست‌های دولتی و دانشگاهی، ایجاد تسهیلات جهت صدور گذرنامه و اجازه خروج از کشور، دریافت مجوزهای فرهنگی، هنری و تفریحی، مرمت و بازسازی اماکن مربوط، دارا بودن مدارس خاص اقلیت‌ها، داشتن قبرستان‌های اختصاصی به رسمیت شناخته شده است.

۳-۲-۳- حقوق اقتصادی و مدنی

پشتوانه لازم برای کسب حقوق اقتصادی و مدنی اقلیت‌ها توسط اصول قانون اساسی فراهم شده است. بر این اساس آنها در طول چندین دهه پس از انقلاب از حقوق اقتصادی و مدنی

شامل آزادی در احوال شخصیه، برابری دیه اقلیت های دینی با مسلمانان، حق ارث اقلیتهای دینی، امکان اشتغال در محیطهای دولتی، برخورداری از تسهیلات بانکی در انجام کارهای اقتصادی، داشتن مجوز کسب در اصناف مختلف، کسب موافقتنامه اصولی برای انجام فعالیتهای اقتصادی، خرید و فروش آزادانه و تملک اموال منقول و غیر منقول و برقراری حقوق بازنشستگی بهره مند شده‌اند.

طبق اصل ۱۳ قانون اساسی، پیروان اقلیت ها در خصوص احوال شخصیه، مطابق مقررات مذاهب خودشان عمل می کنند. به استناد این اصل، کلیه وقایع مدنی اقلیت ها، از جمله ازدواج، طلاق و ارث، که مهمترین وقایع شخصیه تلقی می شوند، تابع اصول و قوانین فقهی دین آن هاست.

جدول ۳- ابعاد حقوق اقلیتها، مصادیق عینی و اصول حامی آنها در متن قانون اساسی

ابعاد حقوق اقلیتها	مصادیق عینی	اصول حامی در متن قانون اساسی
حقوق سیاسی	حق حضور در مجلس شورای اسلامی	۱۹، ۲۶، ۶۴
	حق داشتن احزاب و انجمنها	
	تعامل با رؤسای نظام جمهوری اسلامی	
حقوق فرهنگی و اجتماعی	آموزش و تکلم به زبان قومی	۱۹، ۱۳، ۱۵
	آزادی در برگزاری مراسم مذهبی	
	داشتن ردیف بودجه اختصاصی مجوز انتشار نشریه های مختلف	
حقوق اقتصادی و مدنی	آزادی در احوال شخصیه	۱۹، ۱۳، ۱۲
	برابری دیه اقلیت های دینی با مسلمانان	
	حق ارث اقلیتهای دینی	
	امکان اشتغال در محیطهای دولتی	
	برخورداری از تسهیلات بانکی در انجام کارهای اقتصادی	
	داشتن مجوز کسب در اصناف مختلف	
	کسب موافقتنامه اصولی برای انجام فعالیتهای اقتصادی.	
	خرید و فروش آزادانه و تملک اموال منقول و غیر منقول	
برقراری حقوق بازنشستگی		

۳-۳- نسبت سنجی حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی و مفهوم رواداری:

اسناد جهانی حقوق بشر با کاربست اصول رواداری حمایت از اقلیتها را حتی در قلمروی فراتر از اصل ممنوعیت تبعیض مورد توجه قرار داده و در این زمینه محدود سازوکارهایی را برای نظارت بر تعهدات بین المللی دولتها مهیا ساخته است. بررسی وضعیت اقلیت‌ها در قانون اساسی ایران نیز حاکی است مفاد قانون اساسی، حقوق مذهبی، فرهنگی و زبانی مندرج در اسناد بین المللی حقوق بشر را با بهره گیری از اصول رواداری شامل می‌شود؛ ولیکن باید در نظر داشت برای کاربست اصول رواداری، موانعی در قانون اساسی ایران وجود دارد که برای انطباق و همپوشانی با استانداردهای رواداری لازم است در جهت رفع آنها گام‌هایی برداشته شود:

۱- مبانی قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران فقهی است و به همین دلیل از باب تحمل، حقوقی را برای اقلیت‌ها به رسمیت شناخته است. در توضیح این مورد باید بیان داشت که بایدها و نبایدها فقهی ناشی از دیدگاه‌ها و تفسیرهای فقها می‌باشد و چون دیدگاه‌های فقهی دارای یکسری پیش فرض‌ها هستند، به راحتی نمی‌تواند به حل مشکل و معضل کمک کند. پس واقعیت‌های موجود در اجتماع و نظام سیاسی هستند که خود را با فرامین فقهی که ماهیت ارزشی و دستوری دارند تطبیق می‌دهند و همین نگرش در نگارش قانون اساسی در مورد حقوق اقلیت‌ها حاکم بوده است. در مواضع حقوقی در خصوص اقلیت‌های دینی به نظر می‌رسد یک یا چند گروه مذهبی در سطح بالاتر از پیروان سایر ادیان قرار دارند و گویا میان انسان‌ها در مقام انسانیت فرق قائل شده است و این امر در قانون اساسی جایگاه قانونی یافته است و در قوانین عادی مانند قوانین مدنی و جزایی نیز نمود یافته است مانند مباحث ارث، اجرای حدود و قصاص و همچنین در قوانین شغلی و استخدامی رویه گزینش وجود دارد و باید فرد متقاضی به یکی از مذاهب رسمی کشور معتقد باشد. از این نظر به دلیل وجود تبعیض‌های جنسیتی، قومی و نژادی مورد انتقاد مباحث حقوق بشری می‌باشد. مقوله نامه شماره ۱۱ سازمان بین المللی کار نیز مؤید همین امر است که توانمندی‌ها در به‌کارگیری افراد دخیل در اشتغال و استخدام می‌باشد و لیکن تبعیض نباید وجود داشته باشد.

این چالش به حدی جدی و قابل تأمل است که باید بدون هیچ تعصبی و فارغ از مسائل حاشیه‌ای و سیاسی به این موضوع پرداخت که نگاه واقعی اسلام به انسان چگونه است؟ آیا

اسلام میان انسان‌ها تفاوت قائل شده است؟ اسلام چگونه با این موارد برخورد داشته است؟ در اسلام مبنای فضیلت چیست؟ کرامت انسانی به چه صورت مطرح می‌شود؟ در پاسخ باید بیان داشت که علم فقه خود علم تنظیم‌گر می‌باشد، چون در جهت تنظیم رابطه انسان با خدا و انسان با انسان دستورات و هنجارهایی را بیان می‌کند. به واقع علم فقه نیز خودش محصول یک فرآیند فکری است. به سخن دیگر فقه هدف نیست ابزار است (ابزار در جهت تنظیم‌کنندگی).

فقه و جامعه یک رابطه عینی با یکدیگر دارند و حقوق در ایران با توجه به مبانی فقهی مرزهای سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و ارزش‌ها را مشخص می‌کند با تحمیل مفهوم حقوق بشر که گفتمان مسلط در حال حاضر در نظامات حقوقی و سیاسی می‌باشد، مفهوم حقوق بشر نیز باید در علم فقه راه یابد چون فقه از علوم دیگر مانند فلسفه، منطق، اصول و کلام تغذیه می‌کند مانعی برای استفاده از حقوق بشر در ابواب فقهی مانند علوم فوق‌الذکر وجود ندارد. در واقع فقه پویا که در آن: (۱) مفهوم مصلحت (امام خمینی در این جهت پیش‌رو بودند) (۲) عنصر زمان و مکان در صدور فتاوا (۳) اجتهاد در اهداف، وجود دارد باید توأم با رویکرد عمل‌گرایانه باشد.

به دیگر سخن در دستگاه فکری فقها باید اندیشه اخلاقی حقوق بشری و مصلحت‌گرایی وارد شود. باید احکام فقهی با اصل عدالت، انصاف و اصول حقوق بشر منطبق و هماهنگ شود و به مردم و شهروندان عرضه گردد. فقه باید رعایت مصلحت نظام و امور مسلمین را در اولویت قرار دهد و از حالت سختی و انتزاعی و فردی خارج شود و به حالت جمعی نزدیک شود و از «تئوری مصلحت»، کمال استفاده را بکند. در واقع برای بالا بردن قابلیت اجرایی فقه، باید از قالب پیش‌فرض‌ها خارج شود و از «تکلیف‌مداری» به سمت «حق‌مداری» سوق پیدا کند. فقها و دست‌اندرکاران علم فقه باید از ظرفیت اجتهاد در زمان‌ها و مکان‌های مختلف استفاده کنند و با توجه به نیازهای روز و مقتضیات اجتماع، پاسخ‌گو شبهات و ابتلاهای جامعه باشند. فقها باید با توجه به شرایط امروز جامعه متناسب با همان شرایط تصمیم‌گیری کنند و نباید اصرار داشته باشند که از دیدگاه سنتی خود در شرایط جدید بهره ببرند. به تعبیر شهید مطهری، اجتهاد باید حل مسائل حل نشده باشد و اجتهاد فقها در امور مستحدثه به کاربردی بودن فقه توجه می‌کند؛ یعنی حکم یک موضوع با توجه به

شرایط و قابلیت پیاده‌سازی حکم فقهی جدید ارائه شود. فقه پویا و توانمند می‌تواند از ظرفیت‌های منابع دینی استفاده کند «همان‌گونه که مجتهد هفتصد سال پیش حق داشته با توجه به نیازهای جامعه آن روز از اصول کلی، مسائل جزئی زندگی خودش را استنباط کند، ما هم در زمان خودمان این حق را داریم، یعنی باب اجتهاد مسدود نیست و نمی‌شود به عنوان این‌که پیشینیان چنین گفته‌اند در زندگی را به روی خود ببندیم و به نیازهای فعلی جامعه بی‌اعتنا بمانیم... این نشان می‌دهد که لازمه باقیماندن شرع این است که ما آن را به صورت زنده و محرک در آوریم. به عبارت دیگر مجتهدان ما، به باری عقل مستقل، می‌توانند مسائل زندگی ما را با اصول شرعی به‌گونه‌ای تطبیق کنند...» (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۴۵۸).

درباره تأثیر و تأثرات فقه و حقوق در یکدیگر و به روزرسانی فقه در جهت پاسخ‌گویی به نیازهای عامه مردم به کرات نمونه و موارد زیر می‌توان مطرح نمود. در خصوص حقوق اقلیت‌ها نیز فقها با مراجعه به منبع اصلی دین مبین اسلام می‌توانند از ظرفیت‌های قرآنی استفاده کنند و از چارچوب تحمل اقلیت‌ها به سوی پذیرش و احترام به اقلیت‌ها، شناسایی همه جانبه حقوق آنها و ضمانت اجرای حقوق اقلیت‌ها به نحو حداکثری سوق پیدا کنند. از دیدگاه اسلام همه انسان‌ها از هر نژاد و با هر نوع خصیصه مادی و معنوی از دو انسان مرد و زن آفریده شده و نخستین مرد و زن که پدر و مادر همه انسان‌ها هستند از نوع و طبیعت مشابه آفریده شده‌اند (سوره نساء، آیه ۱). در قرآن می‌توان تکثرگرایی را رصد کرد که ملاک را ایمان به خدایی در نظر می‌گیرد و به وحدت توحیدی قائل است «انسان‌ها در آغاز امتی واحد بودند...» (سوره یونس، آیه ۱۹)، «لقد کرمنا بنی آدم...» (سوره اسراء، آیه ۷۰)، «از نشانه‌های قدرت خداوند آفرینش آسمان‌ها و زمین و نیز اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های شما انسان‌هاست...» (سوره روم، آیه ۲۲)، «در قبول دین اجباری نیست...» (سوره بقره، آیه ۲۵۶)، «و اگر پروردگار تو اراده می‌فرمود تمام انسان‌ها را امت واحد قرار می‌داد و لذا همیشه در اختلاف و جدایی خواهند بود...» (سوره هود، آیه ۱۱۸).

دلالت‌های متعدد در آیات قرآنی وجود دارد که در اندیشه الهی، خداوند با حفظ آزادی انسان و بدون هیچ اجباری، ایمان و کفر، هدایت و گمراهی و شر و خیر را برای مردم تبیین نموده و آنان را در انتخاب مخیر گذاشته است. قرآن در روش زندگی اجتماعی تأکید بر همزیستی مسالمت‌آمیز و گفتگوی دوستانه دارد (سوره عنکبوت، آیه ۴۶) و با تأکید بر لزوم حفظ آزادی ادیان حدود رابطه مسلمانان را نیز مشخص کرده است (سوره ممتحنه، آیه ۸ و ۹). باید از این دست آیات استنباط‌های فقهی و حقوقی مبتنی بر حقوق بشر داشت در جهت ارتقاء حقوق

اقلیت‌ها از وضعیت فعلی و تضمین آزادی‌های آنان در اجرای مراسمات مذهبی.

۲- دومین گام در جهت تطبیق ظرفیت‌های قانون اساسی با مفهوم رواداری در این است که حقوق اقلیت‌ها صرفاً منحصر در اقلیت‌های به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی است. در مورد اقلیت‌های دینی اهل سنت صرفاً به حنبلی، شافعی، مالکی و زیدی اکتفا شده است و دیگر قرائت‌های دینی اهل سنت هیچ‌گونه جاهتی ندارد و در ادیان الهی نیز کلیمی، مسیحی و زرتشتی مورد قبول قرار گرفته است.

با توجه به شکل‌گیری مفهوم «شهروند» و «حقوق شهروندی» در عصر حاضر نمی‌توان جمعی یا گروهی از افراد را با دین، مذهب و تفکر متفاوت نادیده انگاشت. پیامبر اسلام و حضرت علی همواره منادی مکارم اخلاقی در جامعه بودند و با خشونت و سخت‌گیری در برابر مخالفین غیر مسلح مخالف بودند. پیامبر با منش و روش مدارا و تسامح «رحمة للعالمین» در جریان فتح مکه، فرمان عفو عمومی نسبت به مردم و دشمنان خود صادر می‌کند همچنین در قراردادهای پیامبر با مسیحیان نیز حرمت جان، مال آنها مورد تأکید است و آزادی‌های دینی آنان نیز به رسمیت شناخته شده است. حضرت علی خود الگویی جامع در رعایت حقوق تمامی شهروندان اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان بودند، حضرت علی در بخشی از نامه خود به مالک در خصوص حکمرانی و رفتار منصفانه با تمام افراد به صورت مطلق و غیر مقید بیان می‌کند که: «آنان یا در دین با تو برابرند یا در خلقت...» در واقع به کرامت ذاتی افراد اشاره دارد و ملاک بهره‌مندی از حقوق را از ایمان و فرد مؤمن به سمت انسانیت می‌برد که دقیقاً در ماده ۱ و ۲ منشور جهانی حقوق بشر تأکید بر برابری افراد شده است. «یکی از قاعده‌هایی که به حضرت نسبت می‌دهند، قاعده رفتار برابر یا متقابل است... و این امر یکی از ویژگی‌های ذاتی قانون است که «برابری شکلی» نام دارد» (زارعی، ۱۳۸۳: ۲۳۰).

در بحث قانون اساسی و حقوق اقلیت‌ها باید توجه داشت که «حقوق و قانون نباید منشأ نابرابری باشد، قانون‌گذار گاهی اوقات آگاهانه و بعضاً ناخواسته با وضع قوانین و مقررات به ایجاد نابرابری مبادرت می‌ورزند». (زارعی، ۱۳۸۲: ۲۱۷). برابری شکل قوانین، مهم است و این از ویژگی‌های ذاتی قانون است و در قانون اساسی نباید برای گروه خاصی، اختیار یا حق ویژه وضع شود به دلیل این‌که این امر منجر به انزوای اقلیت می‌گردد.

۳- نکته آخر به رویه عملی شکل یافته در سلسله مراتب هرم قدرت با توجه به نوع نگاه

و نگارش قانون اساسی به اقلیت‌ها بازمی‌گردد. به این شکل که اقلیت‌ها صرفاً در امور محلی و شوراهای اسلامی شهر و روستا دارای سمت هستند و فرصت‌های برابر برای دستیابی به فرصت‌های شغلی رده‌های بالای سیاسی و اداری برای ایشان محدود می‌باشد و به همین اعتبار در انتخابات مجلس و سمت نمایندگی مجلس شورای اسلامی حضور دارند. در واقع این رویه تا حدودی می‌تواند منجر به عدول از مدارا شود و همانگونه که بند ۲-۴ اعلامیه اصول رواداری بیان می‌کند: «... می‌تواند باعث به حاشیه راندن گروه‌های آسیب پذیر و محروم سازی آنها از مشارکت اجتماعی و سیاسی و نیز خشونت و تبعیض علیه ایشان شود...»

نتیجه گیری

تحلیل محتوای اسناد حقوق بین الملل نشان می‌دهد مختصات رواداری در آنها مد نظر قرار گرفته است. این مختصات شامل احترام به شخصیت و حقوق فردی، شناسایی حقوق اقلیت‌ها از سوی دولت‌ها، احترام به تکثرگرایی و تفاوت‌های انسانی، تحکیم اصول حقوق بشر، مقابله با تبعیض و نژادپرستی، آموزش عمومی فرهنگ صلح و مدارا بستر مناسبی برای حمایت از حقوق اقلیت‌ها است.

تحلیل محتوای قانون اساسی ج.ا. ایران نیز نشان می‌دهد ابعاد حقوق اقلیت‌ها شامل حقوق سیاسی، حقوق فرهنگی و اجتماعی؛ و حقوق اقتصادی و مدنی با رعایت اصول رواداری مورد توجه و نظر بوده است. اصول ۱۲، ۱۵، ۱۳، ۱۹، ۲۶ و ۶۴ پشتوانه اصلی حقوق اقلیت‌ها و حمایت از آن هستند. بر اساس این پشتوانه قانونی در چند دهه اخیر، اقلیت‌های مذهبی در جمهوری اسلامی ایران به بخش زیادی از حقوق برابر نسبت به ایرانیان مسلمان دست یافته‌اند؛ اگرچه به نظر می‌رسد تا تحقق حقوق برابر با مسلمانان، با توجه به پاره‌ای محدودیت‌های قانونی و برخی اختلاف دیدگاه‌ها، فاصله نسبتاً زیادی وجود دارد. در مقایسه تطبیقی نسبت حقوق اقلیت‌ها و مفهوم رواداری در اسناد بین المللی و قانون اساسی می‌توان گفت:

۱. اسناد جهانی حقوق بشر حمایت از اقلیت‌ها را بر اساس رعایت اصول رواداری حتی در قلمروی فراتر از اصل ممنوعیت تبعیض مورد توجه قرار داده و در این زمینه محدود سازوکارهایی را برای نظارت بر تعهدات بین المللی دولت‌ها مهیا ساخته است. بررسی

وضعیت اقلیت ها در قانون اساسی ایران نیز موید آن است مفاد این سند ملی، بیشتر حقوق مندرج در اسناد بین المللی حقوق بشر را شامل می شود.

۲. همانند اسناد بین المللی، تمام حقوق شهروندی مطرح شده در قرآن کریم، مطلق و بدون قید و شرط بوده و صرفاً بر پایه انسانیت بنا نهاده شده است. حق کرامت، آزادی عقیده و بیان، حق تأمین اجتماعی، آزادی انجام مراسم دینی و دیگر آزادی های اجتماعی از جمله حقوق شهروندی اقلیت ها از دیدگاه اسلام است و اسلام حقوق شهروندی اقلیت ها را همچون شهروندان مسلمانان محترم می شمارد و حریم انسانی آنها را پاس می دارد (ابراهیمی، و سمیعی، ۱۳۹۸). تفاوتی که در این میان است آن است که گفتمان حقوقی اسلام خدامحور است اما گفتمان حقوق بین الملل مبتنی بر انسان محوری است. به نظر می رسد قانون اساسی ج. ا. ایران با بهره گیری از این اصل تصریح شده در آیات قرآنی و اسناد بین المللی می تواند در جهت تحقق حقوق کامل اقلیت ها مورد تجدید نظر قرار گیرد.

۳. هرچند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تحت تاثیر دستورات اسلامی و قرآن کریم، امتیازاتی را در جهت مشارکت اقلیت ها در زمینه های مختلف حکومتی و امور جاری اداره کشور پیش بینی کرده است، اما دستیابی به فرصت های شغلی رده های بالای سیاسی و اداری را برای آنها محدود کرده است و این بر خلاف اصول رواداری اسناد بین المللی است.

حمایت از حقوق اقلیت ها منجر به گفتمان تکثرگرایی خواهد شد. پلورالیزم عقیدتی، سیاسی، فرهنگی و ... اساس مفهوم رواداری را تشکیل می دهد که این امر منجر به افزایش مدارا و حفظ هرچه بیشتر حقوق و آزادی های فردی در عین تفاوت ها و تمایزات می شود. تاریخ ایران نشان داده است که زمینه پذیرش فرهنگی و اجتماعی تکثرات زبانی، قومی، دینی و ... را در عین وحدت ملی داشته است. قبول این نگرش منجر به تحقق یک نظام حقوقی بر محور حقوق بنیادین بشر می گردد و نگاه هراسمند از گروه های اقلیتی از بین رفته و جای خود را به نگاه قانونمند خواهد داد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای متنی چندوجهی است و حکایت از کوشش برای ترکیب مبانی و منابع مختلف مشروعیت و اقتدار سیاسی دارد. هرچند این قانون به رغم ارائه

نوع جدیدی از حکمرانی مردم‌سالار دینی و تلفیق جمهوریت و اسلامیت که نوعی ابتکار سیاسی و حقوقی بوده است، اما در اجرا با چالش‌های جدی مواجه شده است. این چالش‌ها ریشه در آن دارد که در ایران با وجود نهادهای سیاسی حقوق عمومی، در ارزش‌های حقوقی عمومی مانند حقوق بشر، عدالت، برابری و حاکمیت قانون موانعی وجود دارد. در موضوع حقوق اقلیت‌ها نیز توجه به قرائت محدود قانون اساسی از اقلیت‌های زبانی، عقیدتی و مذهبی با کانونی‌ترین بحث رواداری که از اصل برابری و مساوات در حقوق می‌باشد فاصله دارد. به نظر می‌آید تنها راه حل جامع و نهایی برای تطبیق قانون اساسی با «پارادایم رواداری» در این است که در مواردی که جامعه و حکومت اسلامی در اجرای آن با چالش مواجه است و امکان و زمینه اجرای آن میسر نیست به بازسازی اصول فقه پرداخته و با نگاهی عمیق و کاربردی با تأکید بر انسان حق‌مدار، وجود حقوق بنیادین، تضمین حقوق اقلیت‌ها و عدالت اجتماعی مورد بازنگری قرار گیرد. در همین راستا باید در تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های حکومتی و نگارش قانونی (چه در سطح قانون‌گذاری اساسی و چه در سطح قانون‌گذاری عادی) مفهوم حقوق انسانی گنجانده شود و حقوق انسانی به صورت نهادینه شده مورد بحث قرار گیرد. به این ترتیب، با جدی انگاشتن مفهوم حق انسانی، دولت‌ها از اتخاذ سیاست‌ها و وضع قوانینی که براساس ترجیحات و برداشت‌های یک سویه و تبعیض‌آمیز برحذر داشته شوند تا از این طریق زمینه برای پذیرش و تصویب توصیه‌های رواداری در سطح دولتی و حاکمیتی فراهم شود. برای کاربست اصول رواداری، با توجه به مبانی فقهی قانون اساسی لازم است مفهوم حقوق بشر در مباحث علم فقه به صورت جدی راه یابد. بر این اساس، فقه پویا بر اساس مفهوم مصلحت‌سنجی، عنصر زمان و مکان و اجتهاد در اهداف، با رویکرد عمل‌گرایانه از چارچوب تحمل اقلیت‌ها به سوی پذیرش و احترام به اقلیت‌ها، شناسایی همه جانبه حقوق آنها و ضمانت اجرای حقوق اقلیت‌ها سوق پیدا کنند. در این راستا، حقوق اقلیت‌ها صرفاً نباید منحصر در اقلیت‌های به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی نباشد و حقوق دیگر اقلیت‌ها نیز به رسمیت شناخته شود و رفع تبعیض در دستیابی به بالاترین سلسله مراتب هر قدرت برای اقلیت‌ها فراهم گردد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابراهیمی، طیبه و سمیعی، لیلا (۱۳۹۸). «حقوق شهروندی اقلیت های دینی در قرآن و رساله حقوق امام سجاد (ع)»، پویش در آموزش علوم انسانی، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۶۸ - ۸۶.
۳. ابراهیمیان، حجت اله (۱۳۹۱). «حقوق خاص اقلیت های دینی در نظام سیاسی ایران (با تاکید بر قانون اساسی)»، مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۹، شماره ۲۹، صص ۲۴۳ - ۲۶۶.
۴. اسلامی، رضا (۱۳۹۵). آیا حقوق بشر؟، تهران: نشر مجد.
۵. اسلامی، رضا و گل پور، سهیلا (۱۳۹۲). «رواداری (تلورانس) در نظام بین الملل حقوق بشر»، مجله پژوهش و سیاست، سال پانزدهم، شماره ۴، صص ۷۱-۱۱۳.
۶. اسلامی، رضا و محسن جیهانی، فاطمه (۱۳۹۵). «حمایت از حقوق اقلیت ها و امنیت ملی»، مجله راهبرد، سال ۲۵، شماره ۷۸، صص ۲۲۱-۲۴۸.
۷. آدمیت، فریدون (۱۳۹۴). فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت»، تهران: انتشارات سخن.
۸. بشیریه، حسین (۱۳۸۳). «ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی در ایران»، مجله ناقد، سال اول، شماره ۲، ۱۳ - ۲۸.
۹. پروین، خیرالله و سپهری فر، سیما (۱۳۹۳). «حقوق اقلیت ها در قانون اساسی» دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال سوم، شماره ۶، صص ۷۳-۹۶.
۱۰. تقی پور، بهرام؛ عباسی سرمدی، مهدی؛ عابدینی، حسین (۱۳۹۷). «حقوق اقلیت در شرکت های سهامی عام بر مبنای نظام اداره شرکت ها (Corporate Governance): مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۲ (پیاپی ۴۸)، صص ۳۶۹ - ۳۹۶.
۱۱. جاوید، محمدجواد (۱۳۹۲). «تبعض مثبت در اسلام و حقوق اقلیت های دینی در حکومت اسلامی، حکومت اسلامی، دوره ۱۸، شماره ۱ (پیاپی ۶۷)، صص ۱۳۷ - ۱۶۲.
۱۲. حبیب زاده، محمدجعفر و مهدی، هوشیار (۱۳۹۳). «موقعیت اقلیت های دینی در حقوق کیفری ایران در پرتو اصل برابری در مقابل قانون»، پژوهش نامه حقوق کیفری، دوره ۵، شماره ۲، صص ۶۱ - ۸۷.

۱۳. خلف رضایی، حسین؛ حیدرنژاد، ولی اله و ناصری منشادی، حمید (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی نسبت حق تعیین سرنوشت و حقوق اقلیت ها در حقوق بین الملل و نظام جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات حقوق عمومی (حقوق)، دوره ۴۷، شماره ۳، صص ۶۶۵-۶۸۷.
۱۴. رهنورد، فرج الله (۱۳۸۰) «مدیریت فقاها و نظریه های نوین»، مجله راهبرد، شماره ۲۲، صص ۳۵۵-۳۶۸.
۱۵. زارعی، محمدحسین (۱۳۸۲). «نابرابری حقوقی و ساماندهی قانونی آن»، مجله راهبرد، شماره ۱۹، صص ۲۱۶-۲۲۶.
۱۶. زارعی، محمدحسین (۱۳۸۳). «کارآمدی، فقاها و مدیریت مدرن»، مجله راهبرد، شماره ۲۴، صص ۳۲۹-۳۴۸.
۱۷. زارعی، محمدحسین (۱۳۸۷). «حاکمیت قانون و دموکراسی: سازگاری یا تعارض؟»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۸، صص ۶۵-۱۰۵.
۱۸. زارعی، بهادر؛ زینی وند، علی و محمدی، کیمیا (۱۳۹۲). «حقوق اقلیت ها از منظر اسناد بین المللی، اسلام و قانون اساسی ج. ا. ایران»، پژوهش های سیاسی جهان اسلام، دوره ۳، شماره ۱، صص ۴۹-۷۰.
۱۹. زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۴). «حمایت از اقلیت ها در اسناد جهانی حقوق بشر»، حقوق و سیاست، دوره ۷، شماره ۱۶-۱۵ (ویژه حقوق)، صص ۱۴۵-۱۸۶.
۲۰. سلیمی ترکمانی، حجت و حاضر و ظیفه قره باغ، جلیل (۱۳۹۷). «مطالعه ی تطبیقی جایگاه حقوق اقلیت ها در منشور حقوق شهروندی ایران و اعلامیه ی حقوق اقلیت های سازمان ملل متحد»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۹، شماره ۱، صص ۲۰۳-۲۳۰.
۲۱. سیدفاطمی، سید محمد قاری (۱۳۸۸). «حقوق بشر در جهان معاصر»، تهران: انتشارات شهردانش.
۲۲. شقاقی، محمدمهدی؛ پنجه پور، جواد و عابدینی، احمد (۱۳۹۸). «بررسی تأکیدات نهج البلاغه درباره حقوق اقلیت های دینی»، پژوهشنامه امامیه، دوره ۵، شماره ۹، صص ۲۷۳-۲۹۰.
۲۳. فضائلی، مصطفی و کریمی، موسی (۱۳۹۸). «تاملی بر نقش دیوان دائمی دادگستری بین المللی در توسعه و تحول حقوق اقلیت ها»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۲۲، شماره ۸۷،

- صص ۱۷۹-۲۰۲.
۲۴. فضائلی، مصطفی و کرمی، موسی (۱۳۹۵). «تاملی بر نسبت میان حمایت از اقلیت ها و صلح و امنیت منطقه ای در اسلام و حقوق بین الملل»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۲۳-۱۴۶.
۲۵. فضائلی، مصطفی و کرمی، موسی (۱۳۹۶). «حمایت از فرهنگ و حقوق فرهنگی اقلیت ها در پرتو تفسیر عام شماره ۲۱ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۹، شماره ۵۶، صص ۹-۳۲.
۲۶. فضائلی، مصطفی؛ کرمی، موسی و اسدی، ثریا (۱۳۹۶). «حمایت از اقلیت های مذهبی در نظام حقوقی اسلام و نظام بین المللی حقوق بشر»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۱۳-۱۴۲.
۲۷. فضلی خانی، اکرم (۱۳۹۶)، «بررسی حقوق اقلیت ها در غرب و ایران»، فصلنامه مطالعات صیانت از حقوق زنان، سال دوم، شماره ۷، ۱۲۹-۱۵۴.
۲۸. فیرحی، داود (۱۳۷۷). «تکثرگرایی و مشارکت سیاسی در جامعه مدنی و دولت اسلامی»، مجله مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۵، صص ۷۶-۹۱.
۲۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵). مبانی حقوق عمومی (جلد دوم)، تهران: نشر میزان.
۳۰. کاظمی، احمد و کفایسی فر، محمدعلی (۱۳۹۹). «تعریف اقلیت در اسناد بین المللی حقوق بشر»، مطالعات ملی، دوره ۲۱، شماره ۴ (پیاپی ۸۴)، صص ۲۵-۴۶.
۳۱. کدیور، محسن (۱۳۸۸). «حق الناس»، تهران: انتشارات کویر.
۳۲. گشنه، مارسل (۱۳۸۵). «دین در دموکراسی و حقوق بشر، ترجمه امیر نیک پی، تهران: نشر ثالث.
۳۳. محبی، داوود؛ طالب نجف آبادی، اعظم (۱۳۹۷). حق نمایندگی اقلیت ها در اسناد بین المللی و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۵، شماره ۴ (پیاپی ۱۸)، صص ۱۵۷-۱۹۲.
۳۴. محمدزاده رهنی محمدرضاء، فریدی حسن (۱۳۸۸). «بررسی مبانی فقهی احوال شخصیه اقلیت های دینی از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه»، فقه و تاریخ تمدن، دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۱۰۷-۱۲۸.

۳۵. محمدزاده رهنی محمدرضا، فریدی حسن (۱۳۸۹). «بررسی فقهی، حقوق و تکالیف اقتصادی و تجاری اقلیت های دینی»، فقه و تاریخ تمدن، دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۱۱۳-۱۲۹.
۳۶. محمودی، سیدعلی (۱۳۸۸). «خودکامگی اکثریت» و حقوق اقلیت ها در دمکراسی لیبرال»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۲، صص ۲۸۱-۲۹۹.
۳۷. مکرمی قرطاول، یاسر و عباسی، بیژن (۱۳۹۸). «اقلیت ها در جستجوی حقوق بشر؛ مطالعه موردی شیعیان عربستان سعودی»، حقوق اسلامی، دوره ۱۶، شماره ۶۰، صص ۱۵۳-۱۸۴.
۳۸. موحد، محمد علی (۱۳۸۱). در هوای حق و عدالت (جلد دوم)، تهران: نشر کارنامه.
39. Donelly, Jack (1995). UNESCO Declaration Principles on Tolerance, Pariss: Genral Conferance of UNESCO at its 28 session.
40. Donelly, Jack (1999). "Human rights, democracy development", Human rights Quarterly, 21.3
41. Held, David (1987). The Interpretation of Minority, London: Policy Press.
42. Kova evi , Dragana (2011). International Minority Protection System«, Ethnicity Research Center, Belgrade, p.1-13.
43. Kugelmann, Dieter (2007). The protection of minorities and indige-nous peoples respecting cultural diversity, Max Planck yearbook of united nation law, vol.11, p.233-263.
44. Mcgonagle, T. (2008). Minority Rights and Freedom of Expression: A Dynamic Interface«, Ph.D Thessis, University Of Amsterdam.